



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

اسناد نهج البلاغه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه

نویسنده:

محمد مهدی جعفری

ناشر چاپی:

قلم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه
۶	مشخصات کتاب
۶	درآمد
۷	حفظ و تدوین سخنان امام علی
۸	اولین نگارش‌ها
۸	درباره خطبه‌ها و نامه‌ها
۸	درباره وقایع
۹	سید رضی و نهج البلاغه
۱۰	شبهاتی درباره استناد نهج البلاغه
۱۱	پاسخ به شبهه‌ها
۱۱	اشاره
۱۱	سبک‌شناسی
۱۲	شناسایی مصادر
۱۲	اشاره
۱۳	اولین کوشش‌ها
۱۳	آثار مهم
۱۴	نگارش‌های نو
۱۴	بایسته‌ها و شایسته‌ها در مستند سازی نهج البلاغه
۱۵	پاورقی
۱۷	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه

مشخصات کتاب

سرشناسه: جعفری محمدمهدی ۱۳۱۸ -

عنوان و نام پدیدآور: پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه محمدمهدی جعفری

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات قلم ۱۳.

مشخصات ظاهری: ۲۲۳ ص.

شابک: ۱۳۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: برون‌سپاری.

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - ماخذ

رده بندی کنگره: BP۳۸/۰۸۵ / ج ۷ پ ۴ / ۱۳۰۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۷۶۳

درآمد

عرب از دیرباز با ادبیات و جلوه‌های مختلف آن آشنایی و آمیختگی داشته است؛ آن را می‌پسندیده و با آن زندگی می‌کرده است. حتی قبل از اسلام، با آن که از علم و حکمت به دور و با لطایف و ظرایف عقلی بیگانه بود، به سخن و سخنوری اهمیت می‌داده و آن را می‌ستوده است. اشعار عرب جاهلی از فخامت ویژه‌ای برخوردار بوده و جایگاه ویژه‌ای داشته است؛ بدان‌سان که تنها مجتمع فرهنگی جزیره‌العرب، اجتماع سالانه شاعران بزرگ عرب بود که اشعار خود را در وصف زن و اسب و شراب برای علاقه‌مندان و اعراب بدوی می‌خواندند. آن زمان عده بسیار کمی خواندن و نوشتن می‌دانستند، ولی علاقه آنان به زیبایی‌های هنری اشعار چنان بود که آن‌ها را سینه به سینه حفظ کردند و به نسل‌های پسین انتقال دادند. شگفتا که بعضی از متون بلند و دشوار، مانند معلقات سبع، بدین گونه محفوظ مانده و به دست ما رسیده است.

می‌توان گفت که اعجاز بلاغی قرآن - که یکی از وجوه اعجاز این کتاب آسمانی است - پاسخ به این نیاز و فرهنگ بوده است. شاید اگر حکمت‌های قرآنی در قالبی غیر از قالب بلاغی موجود بر مردمان عرضه می‌شد، شیفتگی و شیدایی آنان را باعث نمی‌گشت. این علاقه و احترام به سخن و سخنوری در نسل‌های بعد نیز حفظ شد، آن‌سان که خطیب و خطابه، مانند شعر و کلمات مسجع و منظوم، در میان آنان جایگاه ویژه‌ای داشت. تحسین و تبلیغ سخنان زیبا، آن‌چنان گسترده بود که حتی به عقاید و نظریات خاص گوینده توجه نمی‌شد. بدین سبب مثلاً خطبه‌ها و اشعار زیادی از خوارج برجای مانده و به دست ما رسیده است، با آن که مردم به دلیل عقاید خاص آنان هیچ گاه به ایشان اقبال نکرده‌اند؛ اما چون خوب سخن می‌گفته و شعر می‌سروده‌اند، خطبه‌ها و اشعارشان گسترش یافته است.

اگر چه مردم به «خوب سخن گفتن» اقبال می‌کرده‌اند، آن‌گاه که «خوب سخن گفتن» با «سخن خوب گفتن» همراه می‌شده است،

استقبال مردمان نیز افزایش می‌یافته است؛ بنابراین تعجبی نیست اگر سخن زیبای امام علی (ع)، که در اوج قله سخنوری قرار دارد و دارای ویژگی «خوب سخن گفتن» و «سخن خوب گفتن» است، سینه به سینه میان مردمان نقل شود و به نسل‌های بعد انتقال یابد. نقل این سخنان و تحسین و تمجید آن حتی در دوران سخت بنی‌امیه نیز رواج داشت. گفتار ابن‌زیاد، آن‌گاه که اسیران کربلا را به کوفه آوردند، شاهد خوبی برای این مدعا است. آن هنگام که زینب (ع) خطاب به او گفت:

لَعْمَرَى لَقَدْ قَتَلْتَ كَهْلَى وَ أَبْرَتَ أَهْلَى وَ اجْتَنَنْتَ أَصْلَى فَإِنْ يَشْفِكَ هَذَا فَقَدْ اِسْتَفَيْتَ؛ [۱] «مهرتر ما را کشتی؛ از خویشانم کسی نهشتی؛ نهال ما را شکستی؛ ریشه ما را از هم گسستی؛ اگر درمان تو این است، آری چنین است.» [۲].

عبیدالله بن‌زیاد در عین شقاوت و نامردی، نمی‌توانست این شهادت و سخنوری را تحسین نکند. او زبان به مدح زینب (ع) گشود و کلام او را با کلام علی (ع) مقایسه کرد، اگرچه سخنش به طعن آلوده بود. گفت: «سخن به سجع می‌گوید، پدرش نیز سخنان مسجع می‌گفت.» [۳] سخن ابن‌زیاد اشاره به جایگاه ویژه سخنان امام علی (ع) در بین مردم کوفه دارد؛ مردمی که بیست سال در سلطه وحشتناک‌ترین و خفقان‌آورترین حکومت، حتی نمی‌توانستند علنی نام مولا را ببرند و از او یاد کنند.

انتخاب «صد کلمه» از کلمات امام توسط جاحظ (۱۵۰ - ۲۵۵ هجری)، که از سخن شناس‌ترین ادیبان عرب است، نیز شاهد دیگری بر این منزلت ویژه است. جاحظ به عثمانیه تمایل دارد و معمولاً به دنبال خرده‌گیری بر سیره امام علی (ع) است، [۴] ولی این تمایل باعث نشده است که کلمات زیبای امام را وانهد. او همچنین در کتاب دیگر خود البیان والتبیین بعضی از خطبه‌ها و سخنان امام را آورده است. زیبایی ادبی کلام امام علی (ع) همراه با واگویی مطالب علمی، دینی، اجتماعی، تاریخی و خصوصاً پافشاری بر عدالت، در ماندگاری سخنان امام علی (ع) تأثیر داشته است.

حفظ و تدوین سخنان امام علی

ضبط و تدوین سخنان امام علی (ع) در دوران حیات آن حضرت آغاز شد. ابواسحاق سبعی می‌گوید: «از حارث اعور شنیدم که امام علی (ع) بعد از نماز عصر خطبه‌ای خواند در توصیف و تعظیم پروردگار که مردم از زیبایی آن مبهوت شدند. از حارث پرسیدم: آیا آن خطبه را در حافظه داری؟ حارث گفت: آن را نوشته‌ام، آن‌گاه نوشته‌اش را بر ما املا کرد.» [۹] ظاهراً حارث اعور آمادگی نوشتن خطبه را داشته و سخنرانی امام علی (ع) بعد از نماز عصر، برای او غیر منتظره نبوده است.

امام علی (ع) اصحاب خود را به نوشتن حدیث ترغیب می‌فرمود و حارث اعور را در نوشتن خطبه‌ها و سخنان خویش یاری و رهنمایی می‌کرد. [۶] همچنین زیدبن وهب بعضی از خطبه‌های امام را نوشته و آن را مدون کرده است. از کتاب او با عنوان حُطْبُ امیرالمؤمنین علی المنابر در کتب رجالی یاد شده است. امام علی (ع) نوشتن احادیث را «قید العلم» می‌نامید. [۷].

بدین‌سان بسیاری از سخنان امام علی (ع) نوشته شد و به نسل‌های بعد رسید. در قرن سوم هجری، نزدیک به پانصد خطبه از امام علی (ع) در دست بوده است. این‌ها غیر از نامه‌های امام علی (ع) است که از ابتدا به صورت نوشته بوده و به همان صورت باقی مانده است.

یعقوبی (متوفای ۲۸۶ هجری) از چهارصد خطبه امام علی (ع) یاد می‌کند که مردم آن‌ها را در حافظه داشته‌اند. [۸] مسعودی (متوفای ۳۴۶ هجری) از چهارصد و هشتاد و اندی خطبه سخن می‌گوید که امام آن‌ها را ارتجالاً ایراد کرده است و مردم آن‌ها را از بر کرده‌اند. [۹] کلام مسعودی را از زاویه دیگر نیز می‌توان نگریست: اگر شمار خطبه‌های رایج در میان مردم نزدیک به پانصد باشد، بی‌شک خطبه‌های غیر رایج نیز باید مقدار قابل توجهی را تشکیل دهد. متأسفانه از این مجموعه بزرگ، اکنون تعداد کمی در دست ما است.

اولین نگارش‌ها

درباره خطبه‌ها و نامه‌ها

- در کتاب‌های رجال و تراجم از افراد ذیل به عنوان کسانی که کتابی به نام حُطْبُ امیرالمؤمنین (ع) تألیف کرده‌اند، یاد شده است:
۱. زید بن وهب: متوفای ۹۶ هجری. کتاب او با نام خطب امیرالمؤمنین (ع) علی المنابر فی الجمع و الاعیاد و غیرها [۱۹] تا زمان شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ هجری، موجود بوده است. [۲۰].
 ۲. مسعد بن صدقه: از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع). [۲۱] سید رضی یکی از خطبه‌های نهج البلاغه را از مسعد نقل کرده است. [۲۲].
 ۳. محمد بن عمر واقدی: متوفای ۲۷۰ هجری. [۲۳] یکی از خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه از او نقل شده است. [۱۵].
 ۴. ابراهیم بن حکم فرازی: زنده اواسط قرن دوم هجری. [۱۶].
 ۵. اسماعیل بن مهران: از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع). [۱۷].
 ۶. صالح بن ابی حماد: زنده قرن سوم هجری. [۱۸].
 ۷. علی بن محمد مدائنی: متوفای ۲۲۴ هجری. [۱۹].
 ۸. عبدالعظیم حسنی: متوفای ۲۵۲ هجری. [۲۰].
 ۹. عبدالعزیز بن یحیی جلودی: متوفای ۳۳۲ هجری. او علاوه بر کتاب خطب علی (ع)، کتاب‌های رسائل علی (ع)، شعر علی (ع)، مواعظ علی (ع)، ذکر کلام علی فی الملاحم، الدعاء عن علی (ع) و الادب عن علی (ع) را نیز جمع‌آوری و تدوین کرده است. [۲۱].
 ۱۰. ابراهیم بن محمد ثقفی (مؤلف کتاب الغارات و متوفای ۲۸۳ هجری): او کتاب رسائل علی (ع) را تألیف کرده است. [۲۲].
 ۱۱. محمد بن یعقوب کلینی: متوفای ۳۲۹ هجری. کتاب رسائل الاثمه را تألیف کرده است. [۲۳].

درباره وقایع

- تاریخ نگارانی که حوادث تاریخ اسلام و دوران خلافت امام علی (ع) را گزارش کرده‌اند، سخنان ایشان را درباره حوادث پدید آمده نیز جمع و تدوین کرده‌اند. این گروه از منابع نیز مجموعه قابل توجهی هستند که به‌اجمال، به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:
۱. سلیم بن قیس: [۲۴] قرن اول هجری. از اولین مؤلفان کتاب‌های حدیثی و تاریخی شیعه و مسلمانان است.
 ۲. ابومخنف: قرن دوم هجری. مؤلف کتاب‌های الجمل، صفین، اهل النهروان و الخوارج، الغارات، مقتل علی، مقتل محمد بن ابی‌بکر، مقتل مالک‌الاشتر، مقتل محمد بن ابی‌حذیفه، الشوری و مقتل عثمان. [۲۵].
 ۳. هشام بن محمد کلبی: متوفای ۲۰۶ هجری. مؤلف کتاب‌های الجمل، صفین، النهروان و الغارات. [۲۶].
 ۴. محمد بن عمر واقدی: متوفای ۲۰۷ هجری. مؤلف کتاب‌های الجمل و صفین. [۲۷].
 ۵. نصر بن مزاحم منقری: متوفای ۲۱۲ هجری. مؤلف کتاب‌های وقعه صفین، [۲۸] الجمل، النهروان و الغارات. [۲۹].
 ۶. ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی: متوفای ۲۸۳ هجری. علاوه بر کتاب الغارات، کتاب‌های کلام فی الشوری، بیعه امیرالمؤمنین، الجمل و النهروان را تألیف کرده است. [۳۰].
 ۷. بلاذری: متوفای ۲۷۹ هجری. در کتابش انساب‌الاشراف.
 ۸. مبرد: متوفای ۲۸۵ هجری. در کتابش الکامل.
 ۹. یعقوبی: متوفای ۲۸۶ هجری. در کتابش تاریخ‌الیعقوبی.

۱۰. محمد بن جریر طبری: متوفای ۳۱۰ هجری. در کتاب تاریخ الامم و الرسل والملوک. این کتاب که از مشهورترین کتاب‌های تاریخی است و اکنون در دسترس است، بسیاری از سخنان و نامه‌های امام علی (ع) را دارا است. سید رضی در نهج البلاغه، در یک مورد به این کتاب استناد کرده است. [۳۱].

۱۱. ابن اعثم کوفی: متوفای ۳۱۴ هجری. در کتابش الفتوح.

۱۲. علی بن حسین مسعودی: متوفای ۳۴۶ هجری. در کتاب‌های اخبار الزمان، الاوسط و مروج الذهب. [۳۲].

۱۳. ابوالفرج اصفهانی: متوفای ۳۵۶ هجری. در کتابش الاغانی.

۱۴. شیخ مفید: استاد سید رضی و متوفای ۴۱۳ هجری. در کتاب‌های خود الارشاد و الجمل.

گروه سوم، کتاب‌های حدیثی شیعه است که بخش زیادی از خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (ع) را در خود جای داده است؛ مثلاً تنها کتاب تحف العقول بیش از یک سوم روایات خود را به کلمات امام علی (ع) اختصاص داده است. ابن شعبه حرانی در ابتدای بخش مربوط به سخنان امام علی (ع)، یک خطبه در باب توحید نقل کرده و در مقدمه آن آورده است:

اگر می‌خواستیم تمامی خطبه‌ها و سخنان امام علی (ع) را که تنها در باب توحید به ما رسیده است بیاوریم، به اندازه همه کتاب می‌شد، پس به ذکر یک خطبه اکتفا می‌کنیم. [۳۳].

گفتنی است حجم تحف العقول نزدیک به دو برابر نهج البلاغه است. نکته دیگر این که علاوه بر تحف العقول، این کتاب‌ها نیز شامل سخنان امام علی (ع) هستند:

- الکافی به‌ویژه روضه کافی؛

- کتاب‌های شیخ صدوق؛

- کتاب‌های شیخ طوسی به‌ویژه الامالی؛

- کتاب‌های سید ابن طاووس.

سید رضی و نهج البلاغه

بهترین روش برای عمومی کردن استفاده از سخنان امام، روشی است که سید رضی (۳۵۹ - ۴۰۶ هجری) فقیه، دانشمند و ادیب خوش‌ذوق شیعی برگزیده است. او با انبوهی از سخنان امام روبه‌رو بوده است؛ فهرست کتاب‌های ذکر شده در فصل قبل شاهد این مدعا است. از میان آن‌ها تعداد معدودی از سخنان مولا را برگزیده است. قبل از او، کسان بسیاری سخنان امام را جمع‌آوری کرده بودند، ولی کتاب‌های آنان، بیش‌تر در بین مورخان و محدثان مشهور بود. نظر آنان بیش‌تر به معارف و حکمت‌های والای موجود در سخنان علی (ع) بود و مخاطب این معارف، تنها دانشمندان و فرهیختگان بودند. سید رضی بر آن بود تا زیباترین سخنان امام را برگزیند و در مجموعه‌ای گرد آورد. به بیان دیگر، سید رضی از منظر فصاحت و بلاغت به کلمات امام علی (ع) می‌نگریسته است. با توجه به آن که مجموع خطبه‌های نهج البلاغه نزدیک به ۲۴۰ عدد است و بسیار از آن‌ها نیز قطعه‌هایی از خطبه‌ای بلند هستند، [۳۴] و می‌توان تعداد واقعی خطبه‌ها را حداکثر نزدیک به صد و پنجاه خطبه تقطیع نشده دانست، [۳۵] معلوم می‌شود که سید رضی کم‌تر از یک سوم خطبه‌های امام علی (ع) را نقل کرده است.

شیوه نگارش خاص سید رضی، سبب شد که تمام مسلمانان - شیعه و سنی، فقیه و محدث و ادیب و مردم عادی - به این کتاب روی آورند. همین اقبال عام باعث شد که دوستان و دشمنان امام علی (ع) دو ایراد به سید رضی وارد کنند: اعتراض دوست‌داران امام علی (ع) این بود که چرا او بیش‌تر سخنان امام علی (ع) را حذف کرده و فقط مقدار اندکی از آن را آورده است. بهتر آن بود که تمام سخنان و کلمات امام علی (ع) جمع‌آوری می‌شد و در دسترس مردمان تمام زمان‌ها قرار می‌گرفت.

اشکال دشمنان آن بود که انتساب این سخنان به امام علی (ع) معلوم نیست و در نهج البلاغه اسناد و مصادر این سخنان معلوم نشده است.

در جواب اعتراض نخست می‌گوییم که راز ماندگاری نهج البلاغه و استقبال خواص و عوام، آن است که سید رضی، بر خلاف محدثان، تنها به نقل سخنانی که در اوج بلاغت بوده‌اند، اکتفا کرده است. زیبایی این کلمات باعث شد که پس از تألیف نهج البلاغه و در زمان حیات سید رضی، یعنی بین سال‌های ۴۰۰ تا ۴۰۶ هجری، نسخه‌های مختلف از این کتاب نوشته و توزیع شود. اگر او تمام سخنان امام علی (ع) را جمع‌آوری کرده بود، با چنین اقبالی روبه‌رو نمی‌شد و به احتمال زیاد، در گذر زمان مفقود می‌شد؛ همان‌گونه که کتاب‌های بسیار مهم‌تر از این کتاب - که مؤلفانی بسیار مشهورتر داشته‌اند، مثل کتاب رسائل شیخ کلینی و مدینه‌العلم و بیش از دویست کتاب حدیثی دیگر از شیخ صدوق - در طول سالیان دراز نابود شده‌اند.

اشکال دوم، محور اصلی بحث در این نوشتار است. در توجیه این روش سید رضی اجمالاً می‌توان گفت که سید در پی انتخاب فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین روایت از سخنان امام بوده است و در انتخاب و ارائه این گونه سخن، به سند و صحت آن توجه نمی‌شود؛ چون زیبایی سخن از درون متن خود را می‌نمایاند، نه از ذکر سند.

شبهاتی درباره اسناد نهج البلاغه

مرحله اول شبهه آفرینی

از سخنان ابن ابی‌الحدید (متوفای ۶۵۶ هجری) در شرح نهج البلاغه [۳۶] برمی‌آید که در آن زمان سخن‌هایی درباره انتساب نهج البلاغه به امام علی (ع) بوده است. ابن ابی‌الحدید، خود، معتقد است که تمامی نهج البلاغه، کلام امام علی (ع) است و از دیگران هیچ کلامی در آن نیست.

اولین نویسنده‌ای که در اسناد نهج البلاغه شبهه کرده و کلام او در دست است، ابن خلکان، مؤلف وفیات الاعیان، [۳۷] متوفای ۶۱۸ هجری است. او در شرح حال سید مرتضی می‌گوید:

مردم درباره نهج البلاغه، گردآوری شده از کلمات امام علی بن ابی‌طالب (ع)، اختلاف کرده‌اند که آیا او مؤلف آن کتاب است یا برادرش رضی. و نیز گفته‌اند که این کلمات از سخنان امام علی (ع) نیست، بلکه کسی که آن را گردآوری کرده و به وی نسبت داده است، سازنده آن کلمات هم هست. والله اعلم. [۳۸].

این کلام ابن خلکان را نویسندگان دیگری همچون صلاح‌الدین صفدی (متوفای ۷۶۴ هجری)، [۳۹] یافعی (متوفای ۷۶۸ هجری) [۴۰] و ابن‌عماد (متوفای ۸۰۸ هجری) [۴۱] نیز تکرار کرده‌اند. ذهبی (متوفای ۷۴۸ هجری) نیز در شرح حال سید مرتضی می‌گوید: او متهم به جعل نهج البلاغه است ... و هر کس نهج البلاغه را بخواند یقین می‌کند که این کتاب به دروغ به امیرمؤمنان نسبت داده شده است؛ زیرا در آن به صراحت از ابوبکر و عمر بدگویی شده و دارای تناقض و الفاظ رکیک و عبارتی است که هر کس از حال صحابه قریشی و متأخران پس از آنان آگاهی داشته باشد، می‌داند که بیش‌تر آن‌ها باطل است. [۴۲].

او در شرح حال سید رضی، اشاره‌ای به نهج البلاغه و وضع آن! نکرده است. [۴۳] ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ هجری) نیز سخن ذهبی را تکرار کرده است. [۴۴] مجموع اعتراضات و خدشه‌های گذشتگان، همین دو سخن است که دلیل و مدرک ندارد. درباره این کلمات چند نکته قابل ذکر است:

۱. در هر دو مورد، نهج البلاغه به سید مرتضی نسبت داده شده است، نه سید رضی، و این اشتباه از سوی ذهبی و ابن حجر، که مؤلفانی دانشمند هستند، بسیار عجیب است.

۲. ابن خلکان، نظر صریح خود را بیان نمی‌کند، بلکه با الفاظی مبهم، سعی در شایعه‌پراکنی و ایجاد شبهه دارد. او نمی‌گوید که آیا

به این سخنان معتقد است یا نه. او حتی نمی‌گوید که این اعتراضات از سوی چه کسانی بیان شده است.

۳. ذهبی به بعضی از کلمات نهج البلاغه اعتراض کرده است که در آن‌ها از خلفا گلایه شده است. البته ذهبی فقط از ابوبکر و عمر یاد کرده است، ولی در نهج البلاغه، اعتراض به عثمان بیش از خلیفه اول و دوم است. تعداد این کلمات کم‌تر از یک درصد از مجموع نهج البلاغه است.

۴. مطلب عجیب دیگری که ذهبی ادعا کرده است، وجود کلمات رکیک در نهج البلاغه است! هر اعتراضی به نهج البلاغه را می‌توان تصور کرد، غیر از این.

۵. هیچ یک از این اعتراضات، با دلیل و مدرک همراه نیست. حتی اگر هیچ دلیلی در استناد نهج البلاغه به امام علی (ع) نداشتیم، مسلماً این اعتراضات پذیرفتنی نبود.

مرحله دوم شبهه آفرینی

شیخ محمد عبده (متوفای ۱۳۲۳ هجری) مفتی سرزمین مصر، در اوایل قرن چهاردهم هجری با تصحیح نهج البلاغه، و نگارش شرح کوتاهی بر آن، این کتاب را به میان توده مسلمان - مخصوصاً اهل سنت - آورد. کار مهم او، که عالمی مشهور و مبارزی پر آوازه بود، این است که نهج البلاغه را به عموم مسلمانان شناساند. هدیه او، که با مقدمه بسیار زیبا و عالمانه‌ای بر نهج البلاغه، همراه است، جای خود را در میان مردم باز کرد و در زمان زندگانی عبده و پس از مرگ او بارها چاپ شد.

زیبایی نهج البلاغه، موجب رواج بسیار سریع آن در بین مردم شد و همین، باعث حسادت و شبهه‌افکنی بعضی از نویسندگان روشنفکر یا معاند گشت. موج دوم شبهه‌افکنی درباره نهج البلاغه در این سال‌ها آغاز شد. این هجوم، بر خلاف نظرات بدون استدلال و مبتنی بر احساسات پیشینیان (نظیر ابن خلکان و ذهبی)، منظم‌تر و منطقی‌تر بود. از این گروه می‌توان به احمد امین مصری (متوفای ۱۳۵۶ هجری) اشاره کرد. او می‌گوید:

مطالب نهج البلاغه را به امام علی نسبت داده‌اند. این کتاب مشتمل بر بسیاری از خطبه‌ها، دعاها، نامه‌ها، مواعظ و حکم است. ناقدان قدیم و جدید، مانند صفدی و هوار، در مجموع آن‌ها شک کرده‌اند. این شک بنا بر عللی است؛ از جمله وجود سجع و صناعات لفظی در برخی از خطبه‌های کتاب که در آن روزگار معمول نبوده است، برخی تعبیرات که پس از انتقال فلسفه یونانی و پس از تدوین علوم پیدا شده است و برخی از معانی دقیق آراسته به سبکی که فقط در عصر عباسیان رواج داشته است؛ مانند وصف طاووس [۴۵...].

همچنین جرجی زیدان، [۴۶] کارل بروکلمان، [۴۷] شوقی ضیف، [۴۸] محمود محمد شاکر، دکتر شفیع السید و دکتر محمد دسوقی [۴۹] و بعضی دیگر یا حرف‌های گذشتگان را تکرار کرده‌اند و یا تنها بر پایه تعصب و سیاست‌زدگی وارد این میدان شده‌اند.

پاسخ به شبهه‌ها

اشاره

محققان و متفکران شیعه و اهل سنت، از دیر باز برخی اشکالات را مطرح کرده و جواب داده‌اند. این کار در سده اخیر گسترش یافته است. شیوه جواب‌گویی به اعتراضات را می‌توان در دو گروه دسته‌بندی کرد:

سبک‌شناسی

اولین نویسنده‌ای که به این شبهه جواب داد و به اجمال، استناد تمام نهج البلاغه را به امام علی (ع) اثبات کرد، ابن ابی‌الحدید معتزلی

است. او با معیار قرار دادن علم سبک‌شناسی متون می‌گوید:

بعضی هوا پرستان می‌گویند: قسمت اعظم نهج‌البلاغه، سخنان تازه گفته‌ای است که برخی از فصیحان شیعه آن‌ها را بر ساخته‌اند. گاهی جعل پاره‌ای از آن سخنان را به سید رضی نسبت می‌دهند و گاهی به دیگران. این گروه متعصبانی هستند که تعصب، چشم‌اندازشان را کور کرده است. من با استدلالی کوتاه غلط بودن آن را اثبات می‌کنم و می‌گویم: یا تمام نهج‌البلاغه، جعلی و ساختگی است و یا بعض آن. فرضیه نخست باطل است؛ چون ما درستی استناد بعضی از آن‌ها را می‌دانیم؛ زیرا بسیاری از محدثان و مورخان غیر شیعی و بدون غرض و تعصب، آن‌ها را گزارش کرده‌اند.

در بررسی فرض دوم می‌گوییم که هر کس با سخن آشنا باشد و اندکی علم بیان بداند و اهل ذوق باشد، بین کلام رکیک و فصیح، فصیح و افصح و اصیل و غیر اصیل فرق می‌گذارد؛ اگر در دفتری، کلام دو یا چند خطیب جمع شده باشد، آن‌ها را از هم تمیز می‌دهد و سخن و روش سخنوری آنان را از یکدیگر باز می‌شناسد؛ چنان‌که مثلاً در شناخت اشعار شاعران، مثل ابوتام یا ابونواس، چنین کرده‌اند و بسیاری از اشعار را از دیوان آن‌ها حذف و در این کار تنها به ذوق خود اعتماد کرده‌اند.

اگر در نهج‌البلاغه تأمل کنید، همه سخنان را از یک سرچشمه و به یک شیوه می‌بینید. اگر مقداری از نهج‌البلاغه اصیل بود و مقداری از آن مجعول، این چنین یکدست نبود؛ بنابراین ادعای کسانی که قسمتی از نهج‌البلاغه را مجعول می‌دانند نیز باطل می‌شود. [۵۰].

به کلام ابن ابی‌الحدید بیفزاییم که معیار سبک‌شناسی در شعر و نثر قابل اعتنا است. از این شیوه برای بازشناسی متون اصیل از غیر اصیل استفاده می‌شود. سبک سخن هر دانشمند، شاعر و خطیب با دیگری تفاوت دارد. با تمرین و آشنایی، به راحتی می‌توان شعر حافظ را از سعدی و هر دو را از مولوی و هر سه را از صائب و همگی را از ناصر خسرو بازشناخت. این علم ریشه‌ای کهن دارد، چنان‌که جاحظ، آن‌گاه که سخنانی را از معاویه در هنگام مرگ نقل می‌کند، با همین شیوه آن را نقادی می‌کند و اصالت آن را مخدوش می‌شمارد و آن را کلام امام علی (ع) می‌خواند. [۵۱] ابن خلکان نیز این شیوه را می‌پسندد. او می‌گوید که شیفته اشعار یزیدبن معاویه است، آن‌ها را در حافظه دارد و آن قدر با آن‌ها مأنوس است که می‌تواند اصل را از غیر آن تشخیص دهد. [۵۲].

معیار سبک‌شناسی برای رد سخن ابن خلکان در انتساب نهج‌البلاغه به سید مرتضی نیز کار برد دارد. ما با سبک سخن سید رضی و سید مرتضی آشنایییم و کتاب‌های آنان در دسترس ما است. نهج‌البلاغه با انشای هر دو تفاوت آشکار دارد. حتی با مطالعه سخنان سید رضی در ذیل بعضی از خطبه‌ها و همچنین مقدمه او بر نهج‌البلاغه و مقایسه آن با خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه، تفاوت آن‌ها آشکار و بطلان ادعای کسانی که نهج‌البلاغه را ساخته سید رضی یا سید مرتضی می‌دانند ثابت می‌شود.

شناسایی مصادر

اشاره

اگر چه معیار سبک‌شناسی متون، ظن مقبول را برای پژوهش‌گر آگاه نتیجه می‌دهد، ولی مشکل آن است که این تجربه، قابل انتقال به غیر - خصوصاً به آن‌که سر عناد و لجاجت دارد - نیست. بنابراین، این معیار تنها در مقابل خبرگان قابلیت استدلال دارد. بدین جهت در سال‌های اخیر، فاضلان و دانشمندانی در پی جمع‌آوری مستندات نهج‌البلاغه بوده‌اند. آنان در پی آن بودند که متون موجود در نهج‌البلاغه را - به‌ویژه متونی را که بیش‌تر در آن‌ها تردید شده بود - در مصادر و منابع پیش از نهج‌البلاغه بیابند و ثابت کنند که سالیانی قبل از سید رضی، این کلمات از امام علی (ع) گزارش شده است. کتاب‌های ادب، تاریخ، حدیث و لغت بررسی شد و تمام سخنانی که از امام علی (ع) نقل شده بود با نهج‌البلاغه تطبیق داده شد. این تحقیقات را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی

کرد:

اولین کوشش‌ها

۱ - ۱. ماهو نهج البلاغه: سید هبه‌الدین شهرستانی، مطبعه العرفان، سوریه/ ۱۹۵۲ میلادی، ۴۰ صفحه. مؤلف به اشکالات، پاسخ داده و با بررسی مصادر خطبه شقشقیه، آن را مستند و استوار ساخته است. این اثر دو ترجمه به شرح زیر دارد:

یک. نهج البلاغه چیست؟ ترجمه ابن یوسف شیرازی.

دو. در پیرامون نهج البلاغه، ترجمه میرزاده اهری، چاپ چهارم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲ - ۱. مدارک نهج البلاغه، هادی آل کاشف الغطاء، مکتبه الاندلس، لبنان. این کتاب به همراه کتاب مستدرک نهج البلاغه از همین نویسنده در ۳۰ صفحه منتشر شده است. مؤلف دانشمند این کتاب، ۹۳ خطبه، ۴۷ نامه و ۳۷ حکمت را مستند ساخته است، ولی تنها به ذکر نام کتاب مصدر اکتفا کرده و توضیح دقیق تری نداده است.

آثار مهم

۲ - ۱. استناد نهج البلاغه، امتیاز علی‌خان عرشی هندی، به زبان انگلیسی. این کتاب، دو ترجمه به شرح زیر دارد:

یک. ترجمه به عربی، عامر انصاری هندی، مجله ثقافه الهند، شماره ۴، جلد ۸، دسامبر ۱۹۷۵ م، ۸۷ صفحه.

دو. ترجمه به فارسی، سید مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ شمسی، ۱۸۴ صفحه. مؤلف که ظاهراً از اهل سنت و حنفی مذهب است، [۵۳] مصادر ۱۰۶ خطبه، ۳۷ نامه و ۷۹ حکمت را معین کرده است. این کتاب تنها یک سوم نهج البلاغه را مستند ساخته است.

۲ - ۲. مصادر نهج البلاغه و آسانیده، سید عبدالزهراء حسینی خطیب، لبنان/ ۱۳۹۵ هجری، ۴ جلد. در این کتاب مصادر ۱۴۴ خطبه، ۶۸ نامه و حدود ۳۴۰ حکمت ضمن بیان مشخصات دقیق کتابشناختی معلوم شده است. خطیب در صدد مستندسازی دقیق نهج البلاغه بوده است. بدین جهت اگر فقط تکه‌ای از یک خطبه و یا حتی لفظی از آن در یکی از مصادر ذکر شده باشد، مشخصات و مقدار دقیق آن را معلوم کرده است. کوشش مستمر نویسنده، این کتاب را به بهترین نوشته در عرصه مستندسازی نهج البلاغه تبدیل کرده است. دوری گزیدن از اغراق در انبوه نشان دادن مصادر نهج البلاغه، مزیت دیگر این کتاب ارجمند است. ظاهراً خطیب در سال‌های آخر عمر خود این مجموعه را کامل کرده و آن را در ۶ جلد سامان داده است که چشم انتظار انتشار آن هستیم.

۲ - ۳. نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، محمدباقر محمودی، ۸ جلد (۶ جلد). نویسنده در پی آن بوده تا تمام سخنان امام علی (ع) را جمع‌آوری کند. اگر چه نام کتاب [۵۴] و غرض نویسنده، ارتباطی با اسناد نهج البلاغه ندارد، ولی محصول این تلاش به قوام جنبش مستندسازی کمک کرده و آن را به مراحل پایانی خود نزدیک ساخته است. امید است مجلدات نهایی آن نیز به دستداران نهج البلاغه عرضه شود.

۲ - ۴. مسند نهج البلاغه، تألیف محمدحسین حسینی جلالی. مؤلف محترم در توضیح روش خود نوشته‌اند:

در این کتاب، اسناد روایات نهج البلاغه از سایر کتب شیعی جمع گشته و روایات سایر ائمه (ع) که با الفاظ نهج البلاغه قرابت داشته است نیز به آن ضمیمه گشته است. [۵۵] همچنین نشانی مصادر اهل سنت در پایان آمده است. [۵۶].

نگارش‌های نو

در سال‌های اخیر کتاب‌های گوناگونی درباره اسناد نهج‌البلاغه به چاپ رسیده است، ولی معمولاً بر تحقیقات گروه دوم متکی بوده و گونه نگرش جدیدی تجربه شده است، نه آن که تحقیق جدیدی عرضه شده باشد. از این گروه می‌توان کتاب‌های زیر را بر شمرد:

۱ - ۳. مصادر نهج‌البلاغه، عبدالله نعمه، لبنان/ ۱۳۹۲ هجری، ۳۳۵ صفحه. مؤلف محترم در قسمت دوم کتاب (صفحه ۱۲۹ تا آخر) استناد ۱۸۰ خطبه، ۶۰ نامه و ۳۲۰ حکمت را روشن ساخته است. ایشان مصدر کلمات را با نام دقیق کلمات و ذکر شماره جلد و صفحه معرفی کرده است.

۲ - ۳. بحثی کوتاه پیرامون مدارک نهج‌البلاغه، رضا استادی، ۱۳۵۴ شمسی، ۱۴۰ صفحه. مؤلف مصدر ۷۰ خطبه، ۴۰ نامه و ۱۲۰ حکمت را از کتاب‌های گروه دوم برگزیده و به فارسی زبانان معرفی کرده است. سعی ایشان آن بوده که تنها مصادر مقدم بر سید رضی را معرفی کند.

۳ - ۳. پژوهشی در اسناد و مدارک نهج‌البلاغه، محمد مهدی جعفری، چاپ اول، انتشارات قلم، ۱۳۵۶ شمسی. نویسنده محترم با استفاده از کتاب‌های گروه دوم، نوشته‌ای جدید و خوب را به مخاطبان فارسی‌زبان ارائه داده است.

۴ - ۳. تمام نهج‌البلاغه، سید صادق موسوی، چاپ دوم، ۱۴۱۸ هجری، ۱۰۷۰ صفحه. مؤلف تلاش کرده است تا متن کامل خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (ع) را به صورت پیوسته نقل و قراین موجود را در متن اصلی حفظ کند. روش مؤلف با روش سید رضی که به تقطیع سخنان امام پرداخته و به انتخاب اجزای بلاغی آن اهتمام داشته است، مغایر است. در این اثر، اجزای هر خطبه که در مصادر مختلف نقل شده‌اند نیز معلوم و معرفی شده است. این تحقیق، اگر چه کاستی‌هایی دارد، بسیار ارزشمند است.

۵ - ۳. اسناد و مدارک نهج‌البلاغه، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (محمد دشتی)، چاپ دوم، قم/ ۱۳۷۸ شمسی، ۷۳۰ صفحه. این کتاب مجموع مصادری است که در کتاب‌های مختلف به عنوان مصدر هر خطبه و نامه معرفی شده است. علاوه بر آن ظاهراً شامل بعضی مصادر جدید نیز هست، ولی متأسفانه به سبب وجود پاره‌ای اشکالات در آن، استفاده کامل از آن مشکل است. [۵۷].

۶ - ۳. روات و محدثین نهج‌البلاغه، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۸ شمسی، ۲ جلد، ۱۸۴۰ صفحه، این کتاب می‌توانست مهم‌ترین کتاب در مستندسازی نهج‌البلاغه باشد، ولی اشکال کتاب پیشین بر این کتاب نیز وارد است.

آیت‌الله حسن‌زاده‌آملی نیز به این امر همت گمارده و حدود دو سوم مدارک سخنان حضرت علی (ع) را به دست آورده است؛ [۵۸] ولی این مجموعه تاکنون منتشر نشده است. همچنین «بنیاد نهج‌البلاغه» در پی آن است که تحقیق جدیدی در موضوع مدارک نهج‌البلاغه ارائه دهد. این بنیاد تمام سخنان و نامه‌های امام علی (ع) را جمع‌آوری کرده و در نتیجه، مدارک جدیدی را سامان داده است. امید است این تلاش و تحقیق در آینده‌ای نه چندان دور منتشر شود.

بایسته‌ها و شایسته‌ها در مستند سازی نهج‌البلاغه

منابع و مصادر موجود در دوران سید رضی، بسیار گسترده بوده است. پس از سقوط دولت آل‌بویه (۴۴۷ هجری) این سرمایه عظیم نابود شد و کتابخانه‌های بزرگ بغداد در آتش سوخت. بنابراین دست‌یافتن به تمام مصادر مؤلف نهج‌البلاغه امکان‌پذیر نیست.

مستند سازی متن، تحقیق دشوار و ظریفی است و راهی ناهموار در پیش رو دارد. این کار محتاج دقت، ممارست، عشق، تیزبینی و صرف زمان طولانی است. کوشش‌های افراد مختلف در سده اخیر، نتایج شیرینی داده و به‌حتم تحقیقات آیندگان آن را بهتر خواهد کرد. شایسته است به نکات زیر در این باره توجه شود:

۱. استناد اجمالی نهج البلاغه به امام علی (ع) ثابت و قطعی است، ولی بدین معنا نیست که می‌توان استناد تک تک کلمات را ثابت کرد. حتی خود سید رضی در بعضی موارد، یک واقعه را دو گونه نقل کرده است. در این موارد هر دو نقل زیبا و فصیح هستند و نمی‌توان نقلی را بر دیگری ترجیح داد. [۵۹].
۲. سید رضی به کلمات امام علی (ع) از منظر بلاغی و ادبی نگریسته است. پی‌گیری سخنان امام در این گونه کتاب‌ها مفیدتر از جست‌وجو در منابع فقهی است و احتمالاً با متون نهج البلاغه مشابهت تام خواهد داشت.
۳. تحقیق و تصحیح کتاب‌های قدیمی، مسیر مستندسازی نهج البلاغه را هموار می‌سازد؛ همان گونه که پس از انتشار کتاب الغارات، مدرک بعضی از خطبه‌های نهج البلاغه معلوم شد.
۴. تلاش تمام عزیزانی که در این عرصه کوشش کرده‌اند، رد شبهه جعل نهج البلاغه به وسیله سید رضی بوده است و اینان به ذکر سند حدیث و صحت طریق آن توجه نداشته‌اند. بهتر است اکنون، سخنان امام علی (ع) در نهج البلاغه از «ارسال» خارج و «مسند» شود. کتاب روات و محدثین نهج البلاغه ادعای چنین تحقیقی را دارد؛ هرچند از عهده آن بر نیامده است.
۵. عنوان «اسناد و مدارک نهج البلاغه» اقتضا می‌کند که تنها مصادر مقدم بر سید رضی و یا کتاب‌های استادان او، مانند شیخ مفید و یا معاصران معروف او مثل شیخ طوسی، معرفی شوند. کتاب‌هایی که با فاصله زمانی اندکی پس از سید رضی نوشته شده است و به‌حتم، مصدرهایی غیر از نهج البلاغه داشته است نیز می‌تواند ذکر شود.
- شروح و نسخه‌های خطی نهج البلاغه، کتاب‌هایی که از خود نهج البلاغه روایت کرده‌اند، مثل بحار الانوار، و نیز کتاب‌هایی که بیش از ۲۰۰ سال پس از نهج البلاغه تألیف شده‌اند را نمی‌توان سند و مدرک نهج البلاغه دانست و از آنان نام برد.
۶. به نظر می‌رسد توثیق صدوری، دقیق‌تر و محکم‌تر از توثیق سندی است. با این معیار و در دایره متون غیر فقهی، متون مرسل نهج البلاغه معتبرتر از بسیاری دیگر از متون مسند است.

پاورقی

- [۱] طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۵۷؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۷۵؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۶.
- [۲] نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، مقدمه مترجم. ص «یط».
- [۳] نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، مقدمه مترجم. ص «یط».
- [۴] کتاب او به نام العثمانيه که مجموعه اشکالات او بر سیاست‌های امام علی (ع) است، مشهور است. ابن ابی‌الحدید در شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۲۲۷ - ۲۶۰ به بسیاری از آن‌ها پاسخ داده است.
- [۵] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۱؛ شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۱.
- [۶] ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۱۶۸؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۳۵۷.
- [۷] خطیب بغدادی، تقييد العلم، ص ۸۹ - ۹۰.
- [۸] حفظ الناس عنه الخطب، فانه خطب باربع مئة خطبة حفظت عنه و هي التي تدور بين الناس و يستعملونها في خطبهم و كلامهم. (يعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، مشاکلة الناس لزمانهم، ص ۱۵).
- [۹] مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۳۱.
- [۱۰] شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۳۰، ش ۱۳۱.
- [۱۱] شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۳۱.

- [۱۲] نجاشی، ابوالعباس، رجال النجاشی، ص ۳۵۷.
- [۱۳] نهج البلاغه، خطبه ۹۱. (معروف به خطبه اشباح).
- [۱۴] تهرانی، آقابزرگ، الذریعه، ج ۷، ص ۱۹۱.
- [۱۵] نهج البلاغه، خطبه ۲۳۱ و نامه ۷۵.
- [۱۶] شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۵، ش ۴.
- [۱۷] نجاشی، ابوالعباس، رجال النجاشی، ص ۱۱۲.
- [۱۸] ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۴۹؛ حموی، یاقوت، معجم الادباء، ج ۱۴، ص ۱۲۴.
- [۱۹] تهرانی، آقابزرگ، الذریعه، ج ۷، ص ۱۹۰.
- [۲۰] نجاشی، ابوالعباس، رجال النجاشی، ص ۶۵؛ ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۶۷.
- [۲۱] نجاشی، ابوالعباس، رجال النجاشی، ص ۵۵.
- [۲۲] نجاشی، ابوالعباس، رجال النجاشی، ص ۹۰؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۷.
- [۲۳] نجاشی، ابوالعباس، رجال النجاشی، ص ۲۹۱.
- [۲۴] اگرچه ابهاماتی درباره کتاب سلیم بن قیس وجود دارد، مسلماً کتاب او در سال‌های اولیه، مورد توجه بوده است و حتی مرحوم کلینی در الکافی، بعضی حوادث و سخنرانی‌های امام علی (ع) را از سلیم نقل کرده است.
- [۲۵] نجاشی، ابوالعباس، رجال النجاشی، ج ۲، ص ۱۹۲.
- [۲۶] نجاشی، ابوالعباس، رجال النجاشی، ج ۲، ص ۴۰۰.
- [۲۷] ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۱۱.
- [۲۸] این کتاب به چاپ رسیده و تعداد زیادی از خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (ع) را در بردارد.
- [۲۹] نجاشی، ابوالعباس، رجال النجاشی، ص ۴۰۰.
- [۳۰] نجاشی، ابوالعباس، رجال النجاشی، ص ۹۰.
- [۳۱] نهج البلاغه، حکمت ۳۷۳.
- [۳۲] تنها کتاب مروج الذهب چاپ شده و در دسترس است.
- [۳۳] حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۶۱.
- [۳۴] پس از شهادت محمد بن ابی‌بکر، بعضی از اصحاب درباره خلیفه اول و دوم از امام علی (ع) پرسیدند. امام که در بستر بیماری بودند جواب آنان را در نامه‌ای خطاب به همه مردم نوشت. متن کامل این نامه در کتاب‌های ثقفی، ابن‌هلال، الغارات، ج ۱، ص ۳۰۲؛ دینوری، ابن قتیبه، الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۱۷۴؛ سید ابن طاووس، کشف‌المحججه، ص ۲۳۵ - ۲۹۶ (به نقل از کتاب الرسائل کلینی) و طبری، ابن رستم، المسترشد، ص ۴۲۷ - ۴۰۸ آمده است. این متون کوتاه و بلند هستند. مفصل‌ترین متن از ثقة الاسلام کلینی است که سید ابن طاووس، آن را در کشف‌المحججه نقل کرده است. سید رضی قطعاتی از این نامه بلند را به صورت تقطیع شده در خطبه‌های ۲۶ و ۳۰ و ۵۴ و ۶۲ و ۸۰ و ۱۷۲ و ۲۱۸ و ۲۲۹ و ... نقل کرده است. همچنین سخنرانی بلند امام در نکوهش اصحاب خود، که از درگیری با سپاهیان محدود معاویه سرباز می‌زدند و در کتاب ارشاد شیخ مفید (ج ۱، ص ۲۷۸ - ۲۸۳) به طور کامل موجود است، به گونه تقطیع شده در خطبه‌های ۲۷ و ۲۹ و ۳۴ و ۶۹ و ۹۷ و ۱۱۶ نهج البلاغه آمده است. متن کامل آن در کتاب تمام نهج البلاغه، (ص ۳۸۹ - ۴۱۲) آمده، ولی متأسفانه مصدر آن مشخص نشده است.
- [۳۵] در کتاب مصادر نهج البلاغه، تعداد خطبه‌ها ۱۲۱ خطبه ذکر شده است. (ر.ک: مصادر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۵۱) با توجه به

آن که بعضی از کلمات قصار در بخش سوم نهج البلاغه را هم می‌توان خطبه کوچکی دانست، آمار بالا تأیید می‌شود.

[۳۶] ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۱۲۸.

[۳۷] ابن خلکان تمایلات ضد علوی دارد. او خود را شیفته اشعار عاشقانه یزید بن معاویه می‌داند. (ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۳۵۴. همچنین ر.ک: محدث قمی، شیخ عباس، الکنی و الالقاب، ج ۱، ص ۲۷۸).

[۳۸] ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۳۱۳.

[۳۹] صفدی، صلاح الدین، الوافی بالوفیات، ج ۲۱، ص ۷.

[۴۰] یافعی، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان، ج ۳، ص ۵۵.

[۴۱] حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب، ج ۳، ص ۲۵۲ و ص ۲۵۳.

[۴۲] ذهبی، ابو عبدالله، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۲۴.

[۴۳] ذهبی، ابو عبدالله، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۵۲۳.

[۴۴] ابن حجر، لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۵۶.

[۴۵] امین، احمد، فجر الاسلام، ص ۱۷۸.

[۴۶] زیدان، جرجی، تاریخ آداب اللغة العربیه، ج ۱، ص ۱۸۹.

[۴۷] بروکلیمان، کارل، تاریخ الادب العربی، ج ۲، ص ۶۴.

[۴۸] شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی: العصر الاسلامی، ج ۲، ص ۱۲۸.

[۴۹] آل یاسین، محمد حسن، نهج البلاغه از کیست؟ ص ۱۰.

[۵۰] ر.ک: ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۱۲۸ - ۱۲۹.

[۵۱] جاحظ، عثمان بن بحر، البیان والتبیین، ج ۲، ص ۶۱.

[۵۲] ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۳۵۴.

[۵۳] ر.ک: حسینی جلالی، محمد حسین، درسه حول نهج البلاغه، ص ۷.

[۵۴] ر.ک: اسفندیاری، محمد، کتاب پژوهی، ص ۳۱۳، مقاله «از نهج البلاغه اول تا نهج البلاغه دوم».

[۵۵] حسینی جلالی، محمد حسین، درسه حول نهج البلاغه، ص ۱۲ - ۱۳.

[۵۶] تاریخ تألیف این اثر مربوط به سال ۱۳۵۸ هجری است و اگر چه از جهت تاریخی از اولین کتاب‌هایی است که به مستندات نهج البلاغه پرداخته است، ولی ظاهراً تاکنون در دسترس مشتاقان قرار نگرفته است.

[۵۷] اشکال اساسی در تنظیم این مجموعه آن است که در پی اغراق و زیاده‌نمایی در مصادر نهج البلاغه است. برای بعضی از سخنان و کلمات، بیش از ۱۰۰ مصدر معرفی شده که بیش از ۸۰٪ آن‌ها نادرست هستند. (ر.ک: نهج البلاغه، حکمت ۵۷ و حکمت ۲۱۶ که به ترتیب ۱۰۵ و ۱۰۹ مصدر دارند و اکثر آن‌ها خطا است.) همچنین به صرف وجود یک کلمه یا جمله از یک خطبه بلند، آن کتاب را به عنوان مصدر معرفی کرده است. علاوه بر آن کتاب‌هایی که ۸۰۰ سال پس از نهج البلاغه نوشته شده و یا متن خود را از نهج البلاغه نقل کرده و یا شرح و نسخه خطی آن هستند نیز عنوان مدارک نهج البلاغه را دارند.

[۵۸] ر.ک: حسن‌زاده آملی، حسن، انسان کامل در نهج البلاغه، ص ۳۶.

[۵۹] ر.ک: نهج البلاغه، توضیحات سید رضی در پایان خطبه‌های ۱۰۶ و ۱۰۴.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

